

Journal iranian political sociology

Vol. ۵, No.۷, Mehr ۲۰۲۲

<https://dx.doi.org/10.3051/psi.2022.314783.263>

Abstract

Background and Aim: Despite the fact that the suspension of punishment is the recommendation of the new school of social defense in the late twentieth and early twenty-first century and can be used as a precise and effective tool for issuing fair sentences and solving the problem of crime, which is currently a major problem in societies. And limit the recurrence of the crime, but it seems that the courts have treated it very unkindly and there is no interest in its application by the courts. Therefore, examining the obstacles and problems in the implementation of the legal establishment of suspension of punishment, especially in the courts of appeal, is one of the important issues that can be effective in reducing the recurrence of crime and also reducing the criminal population.

Methodology: The research method used in this research is applied in terms of purpose, descriptive-survey and documentary information collection method. The statistical population of this study includes the judges of the Court of Appeal of Kermanshah province **Results:** According to the information obtained from the research questions, it can be concluded that in the judicial process of legal establishment, the suspension of the punishment of substantive conditions with a standardized beta coefficient of 0.91 . In the first place and form conditions with standardized beta coefficient 0.86 . In the second place are the suspension of punishment and in both formal and substantive conditions, the organizational and judicial dimensions and the executive dimension have the highest impact and the social dimension have the least impact on the process of legal establishment of suspension of punishment.

Keywords: Judicial Procedure, Legal Establishment, Court of Appeal, Suspension of Punishment,, Kermanshah

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.314783.2630>

رویه‌ی قضایی دادگاه‌های تجدید نظر استان کرمانشاه در خصوص تعلیق اجرای مجازات

کیومرث عزیزی کلاره^۱

قباد کاظمی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۲۰

اکبر وروایی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۱۳

چکیده

زمینه و هدف: علی‌رغم اینکه تعلیق اجرای مجازات توصیه مکتب دفاع اجتماعی نوین در اواخر قرن بیستم و اوایل قرن بیست‌ویکم می‌باشد و می‌تواند به عنوان ابزاری دقیق و کارساز جهت صدور احکام عادلانه و حل مشکل جرم که فعلاً از معضلات مهم جوامع است مورد استفاده قرار گیرد و گرفتاری تکرار جرم را محدود نماید؛ لیکن به نظر می‌رسد دادگاه‌ها با آن بسیار نامهربان برخورد نموده و علاقه‌ای به اعمال آن از سوی دادگاه‌ها مشاهده نمی‌شود. لذا بررسی موانع و مشکلات موجود در مسیر اجرای تاسیس حقوقی تعلیق مجازات به ویژه در دادگاه‌های تجدیدنظر یکی از مسائل مهمی است که می‌تواند در کاهش تکرار جرم و همچنین کاهش جمعیت کیفری تاثیر گذار باشد.

روش‌شناسی: روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی، از لحاظ شیوه جمع‌آوری اطلاعات توصیفی-پیمایشی و اسنادی می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش شامل قضات دادگاه تجدیدنظر استان کرمانشاه می‌باشند که از طریق

نتایج: باتوجه به اطلاعات بدست آمده از سوالات تحقیق می‌توان چنین نتیجه گرفت که در روند قضایی اعمال تاسیس حقوقی تعلیق مجازات شرایط ماهوی با ضریب بتای استاندارد شده ۹۱٪ در رتبه اول و شرایط شکلی با ضریب بتای استاندارد شده ۸۶٪ در رتبه دوم اعمال تعلیق مجازات قرار دارند و در هر دو شرایط شکلی و ماهوی بعد سازمانی و قضایی و بعد اجرایی بالاترین تاثیر و بعد اجتماعی کمترین تاثیر در روند اعمال تاسیس حقوقی تعلیق مجازات را داشته اند.

کلیدواژه‌ها: رویه قضایی، تاسیس حقوقی، دادگاه تجدید نظر، تعلیق مجازات، کرمانشاه

kiumarsaziz@gmail.com^۱ دانشجوی دکتری، گروه حقوق، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

آستاد حقوق جزا و جرم‌شناسی، گروه حقوق، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

gh.kazemi@iauaksh.ac.ir

آستاد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران.

akbarvarvaei@yahoo.com

تعلیق مجازات یکی از تاسیسات کیفری در بحث مجازات‌هاست که به قاضی اجازه می‌دهد ضمن محاکمه مجرمان، این فرصت را به آنها بدهد تا با اصلاح رفتار گذشته خود، از وقوع جرایم بعدی نیز پیشگیری کنند. تعلیق مجازات، فرصت دوباره‌ای به مجرمانی است که بر اثر غفلت، برای اولین بار مرتکب جرم شده‌اند و قانونگذار این امید را دارد، تا با ارائه فرصت دوباره به وی، از زندانی شدن فرد و بار شدن آثار سوء مجازات بر وی جلوگیری کند؛ همچنین می‌خواهد با تعلیق مجازات، این اخطار را به فرد مجرم بدهد که از تکرار جرم در آینده بپرهیزد (کوشکی، ۱۳۸۹: ۶۳).

امروزه، تعلیق اجرای مجازات، به عنوان یکی از مجازات‌های جایگزین یا مجازات‌های بینا بینی، مطرح است. برای اجرای تعلیق مراقبتی، بسیاری از کشورها با ایجاد نهادهای اجتماعی مناسب، قدم‌های موثری را در راه اصلاح بزهکاران غیر خطرناک برداشته‌اند. در کشور ما نیز از اوایل قرن حاضر ایده تعلیق مجازات در قوانین جزایی نمود پیدا کرد. در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲، قانونگذار مواد ۴۶ تا ۵۴ را به موضوع تعلیق اجرای مجازات اختصاص داده است. بر اساس ماده ۴۶ این قانون، «در جرایم تعزیری درجه سه تا هشت»، دادگاه می‌تواند در صورت وجود شرایط مقرر برای تعویق صدور حکم، اجرای تمام یا قسمتی از مجازات را از یک تا پنج سال معلق کند. دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری نیز پس از اجرای یک‌سوم مجازات می‌تواند از دادگاه صادرکننده حکم قطعی، تقاضای تعلیق کند همچنین محکوم می‌تواند پس از تحمل یک سوم مجازات، در صورت دارا بودن شرایط قانونی، از طریق دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری تقاضای تعلیق کند» (غلامی، ۱۳۹۳: ۶۸).

در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲، بر خلاف مقررات قوانین سابق، تعلیق اجرای مجازات پس از گذراندن یک سوم مجازات پذیرفته شده است. با توجه به قسمت اخیر ماده ۴۶ دادستان می‌تواند تعلیق اجرای بقیه مجازات را از دادگاه صادرکننده حکم قطعی تقاضا کند. محکوم‌علیه نیز می‌تواند پس از گذراندن مدت مزبور، تقاضای تعلیق اجرای بقیه مجازات را مطرح کند. در توضیح این مطلب باید گفت که صادرکننده حکم قطعی به شرح مذکور در ماده فوق، می‌تواند دادگاه بدوی صادرکننده رأی باشد یا دادگاه تجدیدنظر، که پس از نقص رأی براثت رأساً مبادرت به انشای صدور حکم کرده است. اهمیت دادگاه تجدیدنظر از آن جهت است که آخرین دادگاهی است که حق اظهارنظر داشته و می‌تواند شیرازه رأی دادگاه بدوی را تغییر داده و شکل قضیه را با قانون تطبیق دهد و انشا کند.

در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ در خصوص تعلیق اجرای مجازات مواردی پیش بینی و وضع گردیده است که قبلاً در نظام کیفری ایران مسبوق به سابقه نبوده است به عنوان مثال قانونگذار در کنار تعلیق اجرای مجازات نهادهای مشابهی چون تعویق صدور حکم را پیش بینی نموده و در تقسیم بندی‌های صورت گرفته ذیل عنوان تعلیق صدور حکم قرار داده است. قانونگذار در سال ۱۳۹۲ در مبحث مربوط به

تعلیق اجرای مجازات از حقوق تطبیقی تأسی گرفته و موارد جدیدی را وارد سیستم عدالت کیفری ایران نموده است. موضوع درجه بندی مجازات ها نیز بر نهاد تعلیق اجرای مجازات موثر بوده و مواد آن را تحت تأثیر قرار داده است. مضافاً اینکه تعلیق اجرای مجازات به تعلیق ساده و تعلیق مراقبتی دسته بندی گردیده است. تعلیق مراقبتی همراه با تدابیری است که در بندهای مختلف احصاء گردیده است و این تدابیر می تواند از سوی دادگاه همراه با تدابیر معاضدتی، از قبیل معرفی مرتکب به نهادهای حمایتی باشد و همچنین در تعلیق مراقبتی دادگاه می تواند مرتکب را به اجرای دستورات ملزم نماید. چگونگی اجرای قرار تعلیق نیز توأم با تغییرات اساسی بوده است. با توجه به اخیرالتصویب بودن قانون مجازات اسلامی هنوز هیچ تحقیق جامعی در این خصوص صورت نگرفته است و خاصه آنکه در پژوهش حاضر در نظر می باشد که تعلیق اجرای مجازات از منظر رویه قضایی و نحوه برخورد قضات دادگاه با این موضوع مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد و بنابراین انجام این تحقیق کاملاً ضروری می باشد.

اما علی رغم اینکه نهاد حقوقی تعلیق مجازات در قانون جزای کشور ما نیز همانند بسیاری دیگر از کشورهای جهان، وجود دارد لیکن متأسفانه، هیچ نهاد متناسبی برای ساماندهی و نظارت بر امر تعلیق مجازات به وجود نیامده است. این کمبود در عمل دادگاه ها را به صدور قرارهای ساده متمایل کرده و نوعاً در قضات اشتیاقی برای صدور تعلیق مراقبتی مشاهده نمی شود و به نوعی رویه قضایی کشور ما با نهاد تعلیق مجازات برخورد جدی ندارد و در عمل از آن صرفاً به عنوان یکی از روش های تخفیف مجازات، استفاده می کند و بر این اساس حساسیت لازم در قضاوت برای رعایت شرایط قانونی تعلیق، مشاهده نمی شود. (شفیعی، ۱۳۹۳: ۶۳)

بنابراین بررسی موانع و مشکلات موجود در مسیر اجرای تاسیس حقوقی تعلیق مجازات به ویژه در دادگاه های تجدیدنظر یکی از مسائل مهمی است که می تواند در کاهش تکرار جرم و همچنین کاهش جمعیت کیفری تاثیر گذار باشد لذا در این مقاله سعی بر آن است که اصول و راهبردهای تعلیق اجرای مجازات از نگاه رویه قضایی به عنوان روش و ابزاری برای رسیدن به هدف معلوم و مشخص مورد بررسی، تجزیه و تحلیل و واکاوی قرار گیرد.؛ که با نگرش به موارد فوق این تحقیق باهدف تعیین وضعیت موجود رویه قضایی دادگاه های تجدید نظر در خصوص تاسیس حقوقی تعلیق مجازات درصدد پاسخ به این سوال می باشد که وضعیت رویه قضایی دادگاه های تجدید نظر استان کرمانشاه در زمینه شرایط ماهوی و شرایط شکلی تاسیس حقوقی تعلیق مجازات چگونه می باشد؟

موسوی (۱۳۹۵) در پژوهشی تحت عنوان تعدیل و تبدیل مجازات و چالشهای آن در نظام حقوقی ایران با یک رویکرد انتقادی، دلایل متعددی برای ناکامی جایگزینها در به انجام رساندن اهداف مورد نظر از این نهاد قابل ارائه است. از جمله اینکه روش به کارگیری جایگزینها به روشنی مشخص نیست. همچنین رویه ی قضایی در مورد اینکه کدام دسته از مجرمان و با چه میزان جرم بایستی مشمول این امر شوند، ذهنیت روشنی ندارد و هدایتی نیز صورت نگرفته است و همچنین قاضی باید حین تبدیل مجازات مجموعه ایی از عوامل

را در نظر بگیرد. با بررسی زوایای مختلف جرم و اهداف مجازات مقرر برای آن در قانون، سوابق و اوصاف شخصی، اجتماعی و اقتصادی مرتکب، پازل «تبدیل مجازات» را در ذهن خود تکمیل نماید و تبدیل مجازات باید متناسب با میزان حالت خطرناکی مجرم و در جهت درمان وی باشد. همچنین بر قاضی فرض است که فارغ از هر گونه غرض ورزی و اعمال سلیقه‌ی شخصی، اقدام به تبدیل مجازات اصلی به مجازاتی مناسب به حال مرتکب نماید. همچنین هدایی (۱۳۹۳) در پژوهشی تحت عنوان قاعده تعلیق و تخفیف مجازات در دادگاه تجدید نظر استان، به تعریف سبب‌های تخفیف و تعلیق پرداخته که خود به دو قسمت انواع سبب‌های تخفیف و تعلیق، شروط ماهیتی و آثار تعلیق تقسیم می‌شود. در ادامه نیز اختیار دادگاه تجدید نظر راجع به تعلیق و تخفیف مورد بررسی قرار داده و بیان داشته که قاضی باید خود در حد امکان و توان با برخورداری دقیق و صحیح و با توجه به شخصیت مجرم و اوضاع و احوال و مختصات جرم از این کیفیات در حد مطلوب و به خصوص در مورد افرادی که جرایم انتسابی به ایشان وجدان عمومی را نمی‌آزارد، بلکه گاه این وجدان در جهت حمایت از این افراد است، استفاده کند.

در همین راستا محمد نسل (۱۳۸۳) در مطالعه‌ای تحت عنوان بررسی کاربردی تعلیق مجازات در حقوق جزا و رویه محاکم ایران تاکید دارد که در کشور ایران از اوایل قرن حاضر ایده تعلیق مجازات در قوانین جزایی نمود پیدا کرد لیکن متأسفانه علی‌رغم گذشت هشت دهه از تاریخ تصویب آن، هیچ نهاد متناسبی برای ساماندهی و نظارت بر امر تعلیق مجازات به وجود نیامده است. این کمبود در عمل دادگاه‌ها را به صدور قرارهای ساده متمایل کرده و نوعاً در قضات اشتیاقی برای صدور تعلیق مراقبتی مشاهده نمی‌شود.

عزیزی کلاره (۱۳۹۸) نیز در پژوهشی تحت عنوان تعلیق اجرای مجازات و آثار آن با بررسی ده رای مبنای این پژوهش بررسی مبنایی و اصول تعلیق اجرای مجازات در نظام کیفری ایران و تاثیر آن بر رویه قضایی مورد مطالعه و ارائه قرار داده که قاطبه آنها آرائی است که توسط دادگاه‌های کیفری دو و تجدیدنظر استان صادر و در باب به کارگیری نهاد تعلیق اجرای مجازات اقدام گردیده است.

مبانی نظری

تعریف رویه قضایی:

رویه‌ی قضایی در لغت به معنای روش و وضع به کار رفته است. در فرهنگ دهخدا به معنای طریق و دستور آمده است. رویه قضایی در نظام حقوقی ایران دارای دو معنای عام و خاص است.

۱- رویه قضایی به معنای خاص:

در معنای خاص رویه‌ی قضایی همان آرای وحدت رویه‌ای است که از طرف هیئت عمومی دیوان عالی کشور صادر می‌گردد. گاهی شعبه‌ای از مراجع قضایی در خصوص موضوعی استنباط خاصی از قانون می‌کند در حالی که شعبه دیگری از همان مرجع درباره‌ی موضوع مشابه برداشت دیگری از همان ماده قانونی

دارد و حکمی صادر می کند که مغایر حکم شعبه قبلی است در حالیکه موضوع مطروحه در هر دو شعبه کاملا مشابه و استناد قانونی هر دو یکی است. در چنین مواردی قانون گذار پیش بینی کرده است که هیئت عمومی دیوان عالی کشور که متشکل از قضات آن دیوان هستند تشکیل گردد و پس از بحث و گفتگو و بررسی، نظر اکثریت به عنوان رای وحدت رویه اعلام گردد.

رای مذکور همانند قانون برای تمام مراجع قضایی اعم از شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است. (رضایی، ۱۳۹۱)

۲- رویه ی قضایی به معنای عام:

رویه ی قضایی به معنای عام در جایی به کار برده می شود که محاکم یا دسته ای از آنها در باب یکی از مسائل حقوقی روش یکسانی در پیش گیرند و آرای راجع به آن مساله چندان تکرار شود که بتوان گفت هرگاه آن محاکم با آن دعوا روبرو شوند همان تصمیم را خواهند گرفت. به عبارت دیگر رویه ی قضایی به معنای عام را می توان عرف دادگاه ها دانست. رویه ی قضایی به معنای عام در ایران جزء منابع منابع حقوق به شمار نمی آید و الزام آور نیست بلکه جنبه ی ارشادی جهت مراجع قضایی دارد. لازم به ذکر است که در سیستم حقوقی کامن لا مثل انگلستان و آمریکا چون آرا دادگاه ها تولید کننده قواعد حقوقی و اساسا رای دادگاه هر کدام به معنای یک قاعده حقوقی برای دادگاه ها در همان موضوع الزام آور است، در کامن لا رویه ی قضایی اصلی ترین منبع حقوقی است. رویه قضایی در ایران جزء منابع تفسیری و ثانویه تلقی می شود در حالی که در انگلیس در رأس سلسله مراتب منابع حقوقی قرار دارد. (رضایی، ۱۳۹۱)

دادگاه تجدید نظر:

دادگاه تجدید نظر در مراکز استانها تشکیل و وظیفه ی عمده آنها رسیدگی به درخواست تجدید نظر از آرای صادره از دادگاه کیفری دو حوزه استان مربوطه (که براساس قانون قابل تجدید نظر هستند) می باشد. هر شعبه از این دادگاه متشکل از یک رئیس و دو مستشار می باشد که با حضور دو عضو رسمیت می یابد و از سیستم تعدد قاضی برای آن استفاده شده است. آراء غیر قابل تجدید نظر شامل جرائم تعزیری درجه هشت و جرائم مستلزم پرداخت دیه یا عشر کمتر از یک دهم دیه کامله است. سایر جرائم که رسیدگی به آنها در صلاحیت دادگاه کیفری دو است قابل تجدید نظر در دادگاه تجدید نظر استان است.

با توجه به مطالب مذکور اصل بر قابل تجدید نظر بودن آرا است. البته در مقطعی از زمان قانون گذار آراء صادره از محاکم بدوی را جزء در سه مورد قابل تجدیدنظر نمی دانست و اصل را بر غیر قابل تجدید نظر بودن احکام نهاده بود

. ولی با توجه به آثار منفی این امر که باعث تضییع حقوق اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی می گردید. قانون گذار در این زمینه بازنگری نمود. در حال حاضر قانون حاکم در این مورد قانون آیین دادرسی کیفری مصوب

۱۳۹۲ می باشد. دادگاه تجدید نظر فقط نسبت به آنچه که مورد تجدید نظرخواهی قرار گرفته و نسبت به آن رای صادر شده است، رسیدگی می نماید. (عزیزی، ۱۳۸۷: ۳۶)

مفهوم تاسیس حقوقی تعلیق اجرای مجازات

تعلیق در لغت به معنای آویختن و آویزان کردن و نیز نوشتن مطالب در ذیل کتاب یا مقاله می باشد که جمع آن تعلیقات است. لغت نامه ی دهخدا تعلیق را در آویختن، آویختن چیزی را به چیزی و متعلق گردانیدن معنا نموده است. فرهنگ عمید آن را معلق کردن، آویختن و آویزان کردن چیزی به چیز دیگر و چیزی در ذیل کتاب یا نامه نوشتن معنی کرده است. و در اصطلاح تعلیق ارتباط بین دو امر است به نحوی که یکی منوط بر دیگری است.

در حالت تعلیق امکان وقوع یا عدم وقوع امر معلق شده وجود دارد. قانونگذار تعلیق اجرای مجازات را تعریف نکرده است. در ترمینولوژی حقوق تعلیق را بدین صورت تعریف کرده اند: هرگاه مجرم محکوم، سابقه ی ارتکاب جرم نداشته باشد به او اخطار می شود که هر گاه بعدا مرتکب جرم جدیدی نشود حکم فعلی هم تا هنگامی که جرم جدیدی مرتکب نشده، به مرحله ی اجرا در نمی آید و گرنه هر دو مجازات در حق او اجرا خواهد شد، این تعلیق را تعلیق مجازات گویند که در حقیقت تعلیق اجرای مجازات است. (صفاری، ۱۳۹۰: ۵۲)

دکتر اردبیلی در تعریف تعلیق مجازات می گوید «تعلیق اجرای مجازات عبارت است از: متوقف ساختن مجازات کسی که به کیفرهای تعزیری یا بازدارنده محکوم شده است تا چنانچه در مدت معینی پس از آن، مرتکب جرم دیگری نگردد و از دستورات دادگاه در این مدت تبعیت کرد، محکومیت او کان لم یکن تلقی گردد».

از مفاد مجموعه مقررات قانونی تصویب شده در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ می توان گفت که تعلیق اجرای مجازات عبارت است از: معلق و منوط نمودن اجرای تمامی یا قسمتی از مجازات محکوم علیه به عدم ارتکاب بعضی جرائم در مدت زمان تعیین شده از سوی دادگاه.

تعلیق اجرای مجازات ممکن است ساده یا به طور مراقبتی باشد ماده ی ۴۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ می گوید: تعلیق مجازات با رعایت مقررات مندرج در تعویق صدور حکم ممکن است به طور ساده یا مراقبتی است.

در ماده ی ۴۳ قانون مذکور به دستوراتی که دادگاه می تواند در تعویق مراقبتی انجام یک یا چند تا از آنها را از مجرم بخواهد تصریح گردیده است در ماده ی ۴۱ آن قانون به تعریف تعویق مراقبتی و ساده پرداخته شده است و در ماده ی ۴۲ تعویق مراقبتی را همراه با تدابیری دانسته و تدابیر مذکور را برشمرده است.

با توجه به مفاد کلیه مواد مذکور، می توان گفت در تعلیق اجرای مجازات ساده، عدم اجرای مجازات فقط منوط به عدم ارتکاب جرائم خاصی در مدت تعلیق است و انجام دستور یا اقدام دیگری از محکوم علیه

خواسته نمی شود لیکن در تعلیق اجرای مجازات مراقبتی دادگاه علاوه بر آن انجام دستور یا اقدام دیگری را که در قانون به آن تصریح گردیده، از محکوم علیه می خواهد و عدم انجام آنها از سوی محکوم علیه دارای ضمانت اجرای قانونی می باشد.

مقایسه تعلیق اجرای مجازات با نهادهای مشابه

پس از بیان انواع تعلیق حال باید نهاد حقوقی تعلیق را با سایر نهادهای مشابه مورد بررسی و تحلیل قرار دهیم. از جمله این نهادها میتوان به آزادی مشروط، تاخیر اجرای حکم، تعلیق تعقیب و ... اشاره کرد در همین راستا به بیان و مقایسه این نهادها با نهاد تعلیق اجرای مجازات میپردازیم.

الف -مقایسه تعلیق اجرای مجازات با تعویق رسیدگی و صدور حکم

همانطور که در مباحث گذشته اشاره شد، تعلیق اجرای حکم عبارتست از معلق کردن اجرای مجازات در مدت معین به گونه ای که با وجود شرایطی، اجرای حکم زائل و در غیر اینصورت مجازات به موقع اجرا گذشته شود. حال آنکه در بحث مربوط به تعویق رسیدگی و صدور حکم، حالت تعلیق اجرای حکم وجود ندارد به عبارت دیگر هنوز در مرحله رسیدگی و دادرسی بوده و به مرحله صدور حکم نرسیده است تا بتوان عنوان تعلیق اجرای حکم را بر آن بار نمود و شرایط مقرر در قانون را در استفاده متهم بر تعلیق را بدان عنوان بار نمود

بنابراین تفاوت اساسی میان تعلیق اجرای حکم با تعویق رسیدگی و صدور حکم در این است که در تعویق رسیدگی و صدور حکم نوعی تاخیر در صدور آن رخ میدهد حال آنکه در بحث مربوط به تعلیق اجرای مجازات این مراحل طی شده و حکم دادگاه کیفری صادر شده و به مرحله قطعیت هم ممکن است رسیده باشد. (فروتن، ۱۳۸۸: ۲۶)

ب -مقایسه تعلیق اجرای مجازات با تاخیر اجرای حکم

تأخیر اجرای حکم به معنای، به تعویق انداختن اجرای حکم قطعی به لحاظ وجود عامل تاخیر است به گونه ای که پس از رفع مانع، حکم مزبور فوراً به موقع اجراء گذاشته میشود. با توجه به مقررات مربوطه دو تفاوت اساسی بین تاخیر و تعلیق اجرای حکم وجود دارد.

۱-در تاخیر اجرای حکم، اصولاً مجازات در آینده اجرا میشود اما در حالت تعلیق اجرای مجازات تنها در صورت تکرار جرم از سوی محکوم علیه یا تخلف وی از مقررات مجازات اجراء میگردد.

۲-تأخیر اجرای حکم اجباری است لکن تعلیق اجرای حکم اختیاری و در دست دادگاه صادرکننده حکم است. تأخیر در لغت مصدر باب تفعیل و از ماده آخر به معنای پس انداختن، عقب انداختن، دیرکردن و دیر آمدن

میباشد. تاخیر اجرای حکم در هیچ یک از منابع تعریف نشده، لیکن ما توسل به روح مقررات کیفری مربوطه تعریف زیر را می‌شود ارائه داد.

«تأخیر اجرای حکم عبارتست از عقب انداختن اجرای حکم قطعی به لحاظ وجود عامل تأخیر، به گونه ای که پس از رفع مانع، حکم فوراً به موقع اجرا گذاشته شود»

اجرای سریع و فوری احکام کیفری از اصول اساسی و مهم در حقوق جزا به شمار می‌رود و در صورت انجام آن امکان تحقق اهداف مجازات‌ها فراهم می‌شود لیکن این اصل مهم در بعضی موارد بنا به ضرورت یا طبیعت امر و به جهت تعارض با دیگر اصول حاکم بر مجازات‌ها استثنائاتی داشته که در چنین حالتی اجرای حکم ضرورتاً به تعویق می‌افتد عوامل تأخیر بطور پراکنده در قوانین و مقررات احصاء و تبیین گردیده که هریک از آنها را با وصف علت تأخیر و اینکه در چه نوع مجازاتی موجب تأخیر بوده از نظر حقوقدانان مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته که به دلیل اطاله کلام از ذکر آن خودداری می‌شود. (بقال، ۱۳۸۲)

ج- مقایسه تعلیق اجرای مجازات با تعلیق تعقیب

مفهوم تعلیق تعقیب عبارتست از متوقف کردن تعقیب متهم برای مدتی محدود که در صورت عدم ارتکاب جرم در آن مدت، تعقیب کلاً منتفی می‌شود و در صورت ارتکاب جرم، تعقیب نسبت به هر دو جرم پیگیری خواهد شد. اما تعلیق اجرای مجازات عبارت است از عدم اجرای حکم در یک مدت محدود که با گذشت آن مدت چنانچه محکوم علیه مرتکب جرم جدیدی نگردد حکم قبلی اجرا نشده و الا هر دو مجازات در مورد وی اجرا می‌شود.

در بیان تفاوت بین آنها میتوان بیان داشت :

۱) تعلیق تعقیب به صورت قرار صادر می‌گردد، در حالیکه در تعلیق اجرای مجازات بخشی از حکم صادره می‌باشد.

۲) تعلیق تعقیب در دادسرا و توسط دادیار یا بازپرس با موافقت دادستان صادر می‌شود. ولی تعلیق اجرای مجازات توسط دادگاه صادر می‌گردد.

۳) تعلیق تعقیب نسبت به یک جرم به طور کامل جریان می‌یابد در حالیکه تعلیق اجرای مجازات ممکن است نسبت به همه مجازات باشد یا نسبت به بخشی از آن باشد. (بقال، ۱۳۸۲)

د- مقایسه تعلیق با آزادی مشروط :

در بیان مقایسه میان تعلیق اجرای مجازات و آزادی مشروط بهتر است تفاوت‌های میان آنها را بررسی نموده تا از این طریق به شناخت بهتر آنها نائل شد. تفاوت‌هایی میان تعلیق و آزادی مشروط وجود دارد که ذیلاً اشاره می‌گردد:

۱- تصمیم دادگاه در صدور تعلیق به شکل قرار انجام می‌پذیرد لکن تصمیم دادگاه در اعطای آزادی مشروط به صورت انشای حکم می‌باشد؛

۲- قرار تعلیق اجرای حکم مستقیماً توسط دادگاه صادرکننده حکم محکومیت صادر می‌گردد حکم اعطای آزادی مشروط پس از پیشنهاد سازمان زندانها و تایید قاضی ناظر زندان از سوی دادگاه صادرکننده‌ی دادنامه محکومیت قطعی صادر می‌شود؛

۳- آزادی مشروط در مورد کیفر سالب آزادی (حبس) قابل اعمال می‌باشد در حالیکه تعلیق اجرای حکم در مورد کلیه محکومیت‌های تعزیری و بازدارنده به استثناء مواردی که در قانون ذکر شده، قابلیت اعمال و اجرا دارد؛

۴- آزادی مشروط الزاماً موجب معافیت قسمتی از مجازات می‌شود و معافیت مجرم از تمام مجازات به استناد آزادی مشروط جایز نمی‌باشد لکن تعلیق ممکن است موجب معافیت تمام یا قسمتی از مجازات شود؛

۵- قرار تعلیق اجرای مجازات ضمن حکم محکومیت صادر خواهد شد در صورتی که حکم آزادی مشروط پس از قطعیت حکم به حبس و سپری شدن مدتهای مقرر در ماده ۵۸ ق. م. ا. مصوب ۱۳۹۲ صادر و قابل اجرا است.

۶- صدور قرار تعلیق اجرای حکم دارای محدودیت بوده و نسبت به برخی از مجرمین و بعضی از جرائم خاص صادر نمی‌شود در صورتی که این محدودیت برای استفاده از آزادی مشروط وجود ندارد و کلیه‌ی احکام، مطابق مقررات ماده ۵۸ ق. م. ا. مصوب ۱۳۹۲ مشمول آزادی مشروط قرار می‌گیرد.

۷- پس از انقضای مدت تعلیق و عدم ارتکاب جرم در مدت مزبور، محکومیت تعلیقی بی اثر و از سجل کیفری محو می‌شود اما در آزادی مشروط، محکومیت مذکور و لو با رعایت شرایط ذکر شده از سوی محکوم علیه، در سجل کیفری باقی میماند البته به جز موارد پیش بینی شده در تبصره‌ی ۳ ماده ۲۵ ق. م. ا. مصوب ۱۳۹۲.

۸- آزادی مشروط صرفاً در خصوص مجازات زندان امکان پذیر است، در حالیکه تعلیق اجرای مجازات شامل مجازات‌های دیگری نیز می‌شود.

۹- از سوی دیگر همانطور که در مباحث گذشته بیان شد، بعضی دیگر از مولفین معتقدند تعلیق در واقع نوعی آزادی مشروط است ولی باید گفت در آزادی مشروط، محکوم بایستی قسمتی از زندان خود را تحمل نموده باشد تا با رعایت شرایطی از گذراندن بقیه مدت محکومیت در زندان معاف شود (حاجی تبار، ۱۳۸۶: ۳۵)

سابقه تعلیق اجرای مجازات در ایران

در حقوق ایران سیر تاریخی قوانین راجع به تعلیق اجرای حکم را می‌توان به چهار دوره تقسیم نمود:

۱- قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ ۲- قانون تعلیق اجرای مجازات مصوب ۱۳۴۶ ۳- قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱ ۴- قانون مجازات اسلامی مصوب سالهای ۱۳۷۰ و ۱۳۹۲.

اولین بار مقررات بحث راجع به تعلیق در قانون مجازات عمومی سال ۱۳۰۴ مطرح شد و ضمن مواد (۴۷ تا) ۵۰ در خصوص مجرمین به جرایم جنحه ای پذیرفته شد. در تاریخ ۱۶ بهمن ماه ۱۳۰۷ شمسی قانون جدیدی در یک ماده و تبصره آن تصویب که با این ماده قانونی، دایره ماده ۴۷ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ که مقررات تعلیق را در مطلق حبس های جنحه ای قابل اجرا می دانست، محدود نموده و از آن پس تنها جرائم جنحه ای مذکور در این ماده قابل تعلیق بود. با اجرای این قانون کمکم اشکالات وارد بر آن مشخص و نقایص مربوط به مقررات تعلیق روشن گردید.

به همین مناسبت قانونگذار در سال ۱۳۴۶ قانون جدید تعلیق اجرای مجازات را به تصویب رساند. این قانون که مقررات نسبتاً کامل و جامعی را نیز در بر داشت در ۱۸ ماده تدوین که مطابق ماده ۱۸ آن کلیه مقررات و قوانین سابق راجع به تعلیق مجازات نسخ گردید.

به موجب ماده (۱) این قانون برای محکومیت‌های حبس تادیبی یا جزای نقدی یا هر دو مجازات که ناشی از ارتکاب جنحه یا جنایتی باشد (چنانچه مجازات آن قانوناً از حبس مجرد شدیدتر نباشد) دادگاه می‌تواند با احراز شرایط عینی اجرای مجازات را برای مدت دو تا پنج سال در ضمن حکم محکومیت، معلق کند.

در ماده ۱۷ این قانون وزارت دادگستری مکلف بود ظرف پنج سال وسایل اعمال نظارت بر عملکرد مجرمینی که اجرای مجازات تعلیق دستوراتی برای آنها صادر شده فراهم کند. اما تصویب آیین نامه اجرایی ماده ی مذکور سالها به تعویق افتاد تا این که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و تصویب آیین نامه امور زندانها در جلسه ۲۷۳ (مورخ ۱۳۶۱/۲/۷) شورای عالی قضایی وقت آیین نامه مورد بحث به تصویب میرسد.

قانونگذار در سال ۱۳۵۴ مواد ۴۷ تا ۵۰ قانون مجازات عمومی را به موضوع تعلیق اختصاص داد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی با تصویب قانون راجع به مجازات اسلامی، ماده ۴۰ این قانون و ده تبصره آن در جریان تصویب قانون آزمایشی مجازات اسلامی در سال (۱۳۶۱) توسط کمیسیون قضائی مجلس شورای اسلامی، تعلیق اجرای مجازات از صورت قانون خاص خارج و در قالب ماده ۴۰ قانون مجازات اسلامی سال (۱۳۶۱)، پیش بینی شد و با تصویب قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰ مقررات ماده (۴۰) سابق نسخ و مقررات تعلیق اجرای مجازات ضمن مواد ۲۵ تا ۳۷ این قانون با رعایت شرایط خاصی پیش بینی شده است.

پس از آن در سال ۱۳۹۲ در قانون مجازات اسلامی جدید مجدداً تعلیق اجرای مجازات و شرایط و نحوه استفاده از آن با تغییراتی روبرو شد و استفاده از تعویق صدور حکم نیز در آن پیش بینی شده است. از نظر تاریخ حقوق کیفری، اندیشه اعطای تعلیق اجرای مجازات به مجرم در دو مفهوم یکی تاسیس حقوقی تعلیق سستی یا تعلیق ساده اجرای مجازات که در قانون مجازات عمومی سال ۱۳۰۴ کشورمان تحت تاثیر دیدگاه

طرفداران مکتب نئوکلاسیک حقوق جزا و نیز با اقتباس از قانون جزای سال ۱۸۹۱ پیش بینی بود و دیگری که تحت تاثیر دیدگاه جرم شناسی مبنی بر اینکه جرم یک بیماری قابل علاج میباشد و تعلیق مجازات به روش اعطای آزادی با مراقبت از مجرم به عنوان یکی از مهمترین نهادهای جانشین مجازات زندان، میتواند موجبات سازگاری مجدد مجرم را با جامعه فراهم سازد، و مدت کوتاهی است که در نظامهای اکثر کشورهای اروپایی و کشور انگلستان و سایر کشورهایی که بر پایه نظام کامن لو اداره میشوند به گونه ای مختلف رایج در مورد استفاده میباشد. در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ طی مواد ۴۶ تا ۵۵ به موضوع تعلیق اجرای مجازات پرداخته شده است در قانون جدید استفاده از تعلیق اجرای مجازات در جرائم دارای مجازات درجه ۳ تا ۸ پذیرفته شده است.

البته جرائمی که مجازات آنها قابل تعلیق نیست در ماده ۴۷ قانون مذکور آورده شده است. برای تعلیق اجرای مجازات وجود شرایط تعویق صدور حکم ضروری است از جمله شرایط آن وجود جهات تخفیف است که در ماده ۳۸ همان قانون آمده است. تعلیق اجرای مجازات پس از صدور حکم و پس از اجرای یک سوم مجازات با پیشنهاد دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری پیشبینی شده است. تقاضای تعلیق مجازات پس از صدور حکم باید از دادگاه صادرکننده رای قطعی درخواست شود محکوم علیه نیز با اجرای یک سوم مجازات از طریق قاضی اجرای احکام یا دادستان میتواند تقاضای تعلیق اجرای مابقی مجازات بنماید. تعلیق مجازات به طور ساده یا مراقبتی مقدور است. شرط بی اثر شدن محکومیت تعلیقی، عدم ارتکاب جرم عمدی موجب حبس، قصاص، دیه یا تعزیر تا درجه هفت است.

موانع و مشکلات اعمال تعلیق اجرای مجازات

۱- موانع قانونی

به موجب مواد ۴۶ و ۴۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و نیز به موجب قوانین خاص تعلیق اجرای مجازات بعضی از جرایم ممنوع گردیده است.

در ماده ۴۶ قانون یاد شده جرائم غیر تعزیری و جرائم تعزیری دارای مجازات های درجه ۱ و ۲ و بر اساس ماده ۴۷ قانون تعلیق اجرای مجازات جرائمی از قبیل جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور، خرابکاری در تاسیسات آب رسانی، گاز، نفت و مخابرات و جرائم سازمان یافته و... منع گردیده است. به موجب قوانین خاصی از جمله قانون مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری تعلیق مجازات حبس جرائم کلاهبرداری تحصیل مال از طریق نامشروع و اختلاس غیر قابل تعلیق شناخته شده است.

همچنین به موجب ماده ۷۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ جزای نقدی مقرر در این قانون از سوی مرجع رسیدگی کننده قابل تعلیق و تخفیف نیست و مجازات های حبس، شلاق در جرائم قاچاق کالاهای ممنوعه، حرفه ای و سازمان یافته موضوع این قانون قابل تعلیق نمی باشد. بر اساس تبصره ۵ ماده ۲ قانون مجازات اخلال گران در نظام اقتصادی کشور تمام مجازات های مقرر در آن غیر قابل تعلیق می باشند.

البته در سال ۱۳۹۹ با تصویب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری بسیاری از موانع قانونی موجود در مورد بعضی از جرائم از میان برداشته شده است.

۲- موانع اجتماعی

در جامعه و افکار عمومی حتی قضات نیز به جنبه اصلاحی مجازات خصوصاً در تعلیق اجرای مجازات حبس توجه و آگاهی لازم وجود ندارد و بیشتر به جنبه انتقامی، ارعابی و بازدارندگی مجازات توجه دارند. عامه مردم اصلاح و تنبیه یک مجرم را تنها در زندانی شدن او می‌دانند و قضات نیز برای تمکین از آنچه که در فرهنگ عمومی وجود دارد، اجرای عدالت را تنها در هدایت مجرمان به زندان می‌پندارند.

قاضی نمی‌تواند بی‌اعتنا به نگاه و نگرش عمومی جامعه باشد و معمولاً در راستای خواست عمومی جامعه و شاکی از تعلیق اجرای مجازات خصوصاً در مورد مجازات حبس خودداری می‌کند زیرا جامعه مجازات تعلیق شده را مجازات و بازدارنده نمی‌داند.

۳- موانع اجرایی

زیر ساخت ها و لوازم لازم جهت اجرای تعلیق مراقبتی وجود ندارد. همچنین عدم وجود مددکار به تعداد کافی و نیز عدم وجود مراکز لازم جهت گذراندن دوره های آموزشی، تربیتی و اخلاقی باعث عدم اجرای درست آن و نیز موجب عدم تمایل قضات جهت تعلیق اجرای مجازات به نحو مراقبتی شده است.

روش شناسی

تحقیق حاضر از لحاظ هدف کاربردی و از نظر روش و ماهیت توصیفی، پیمایشی می‌باشد به نوعی می‌توان گفت در این پژوهش در جهت جمع آوری داده ها و اطلاعات مورد نیاز از هر دو روش اسنادی و پیمایشی استفاده شده است.

اطلاعات حوزه میدانی از طریق توزیع پرسشنامه در بین کارشناسان به دست آمده که در این پژوهش، انتخاب موردها به شیوه‌ای تمام شمار صورت گرفت به نحوی که جامعه آماری این پژوهش تمامی قضات دادگاه تجدید نظر کرمانشاه که در خصوص موضوع آگاهی لازم را دارند در نظر گرفته شده اند که تعداد آنان ۳۳ نفر می‌باشد. در نظر گرفته شدند. برای گردآوری داده ها هم از پرسشنامه و هم از روش اسنادی در بررسی پرونده ها استفاده گردید

یافته‌ها

یافته های توصیفی:

نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها حاکی از آن است که تعداد ۳۳ نفر جامعه نمونه این تحقیق (قضات دادگاه تجدید نظر) همگی مرد و در بین این افراد، ۲۱ نفر دارای مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد و ۱۲ نفر نیز دارای مدرک تحصیلی دکتری بودند، از تعداد ۳۳ نفر جامعه نمونه همگی دارای سابقه قضایی بالای ۱۵ سال بودند.

۱- موانع و مشکلات دادگاه های تجدید نظر استان کرمانشاه در خصوص رعایت شرایط شکلی تاسیس حقوقی تعلیق مجازات چه می باشد؟

اولین پرسشنامه ای که در این پژوهش مورد بررسی قرار می گیرد پرسشنامه شماره (۱) می باشد که به موانع و مشکلات دادگاه های تجدید نظر استان کرمانشاه در خصوص رعایت شرایط شکلی تاسیس حقوقی تعلیق مجازات پرداخته است که پس از گرفتن میانگین ۴ مولفه و ۲۹ شاخص از آزمون kmo و بارتلت جهت آزمون فرضیه استفاده گردید که نتایج آن به شرح ذیل آمده است:

• ابعاد شرایط شکلی

مقدار آزمون kmo و بارتلت

ردیف	مقدار آزمون kmo	مقدار آزمون بارتلت	سطح معناداری	مقدار واریمکس
۱	۷۹۸/.	۵۶/۵۳۲	۰۰۰/.	۰۴/۷۹

بارعاملی ابعاد

Component Matrix ^a	
اجتماعی	۰.۸۱۲
اجرایی	۰.۹۰۵
قانونی	۰.۸۵۶
سازمانی و قضایی	۰.۹۲۵
Extraction Method: Principal Component Analysis.	
a. ۱ components extracted.	

بررسی آزمون kmo

بعدا اجتماعی :

ردیف	مقدار آزمون	مقدار آزمون بارتلت	سطح معناداری	مقدار واریمکس
------	-------------	--------------------	--------------	---------------

				kmo	
	۹۳/۸۳	۰۰۰٪	۴۶/۱۱۹	۵۰٪	۱

بررسی بارعاملی مولفه ها و شاخص ها

ابعاد	مولفه	بارعاملی	شاخص	بارعاملی
بعد اجتماعی	مولفه های فردی	۲۵/۱	جنسیت	۲,۸۵
			تحصیلات	۲,۴۹
			وضعیت روحی و روانی	۲,۲۸
			وضعیت جسمی	۲,۲۳
			وضعیت تاهل	۱,۱۶
	مولفه های فرهنگی	۱,۴۵	فرهنگ مردم و توقع اذهان عمومی	۳,۸۷
			رسانه	۳,۸۱
			مذهب	۳,۴۶
			وضعیت خانوادگی	۳,۲۴
			جریحه دار شدن احساسات عمومی	۳,۰۹

بررسی آزمون kmo

بعد اجرایی :

ردیف	مقدار آزمون kmo	مقدار آزمون بارتلت	سطح معناداری	مقدار واریمکس
۱	۸۰۴٪	۹۷/۳۷۵	۰۰۰٪	۳۳/۷۱

ابعاد	مولفه	بارعاملی	شاخص	بارعاملی
بعد اجرایی	میزان کمی اعمال تعلیق	۲,۴۸	تاثیر اجرای قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ در اعمال تعلیق در دادگاه های بدوی	۴,۶۴

۴,۵۷	تاثیر اجرای قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ در اعمال تعلیق در دادگاه های تجدید نظر			
۴۷/۴	کاهش تکرار جرم	۵۲/۲	بازخورد کیفی اعمال تعلیق مجازات	
۲۸/۴	کاهش جامعه کیفری			
۱۷/۴	کاهش هزینه های قضایی			

بررسی آزمون kmo

بعد قانونی:

ردیف	مقدار آزمون kmo	مقدار آزمون بارتلت	سطح معناداری	مقدار واریمکس
۱	۵۹/.	۹۹/۸۹	۰۰۰/.	۶۲/۸۲

بررسی بارعاملی مولفه ها و شاخص ها

ابعاد	مولفه	بارعاملی	شاخص	بارعاملی
بعد قانونی	کارآیی قانون تعلیق مجازات	۱۵/۱	کارایی قوانین ومقررات تعلیق در نظام قضایی فعلی	۴۵/۳
			امکان اجرای عدالت قضایی و احقاق حقوق بزه دیده	۲۸/۳
			کاهش جامعه کیفری	۱۴/۳
			جلوگیری از طولانی شدن روند قضایی	۰۶/۳
			کاهش تکرار جرم	۸۵/۲

بررسی آزمون kmo

بعد سازمانی و قضایی:

ردیف	مقدار آزمون kmo	مقدار آزمون بارتلت	سطح معناداری	مقدار واریمکس
------	-----------------	--------------------	--------------	---------------

۱	۷۴۹٪	۴۴/۳۶۷	۰۰۰٪	۲۲/۷۲
---	------	--------	------	-------

بررسی بارعاملی مولفه‌ها و شاخص‌ها

ابعاد	مولفه	بارعاملی	شاخص	بارعاملی
بعد سازمانی وقضایی	موانع ساختاری	۸۹/۱	تخصصی نبودن شعب دادگاه‌های تجدید نظر	۵۴/۴
			عدم استقبال برخی شعب در تعلیق اجرای مجازات	۳۵/۴
			کثرت پرونده‌های ارجاع شده به شعب دادگاه‌های تجدید نظر	۳۲/۴
			عدم ارجاع تخصصی پرونده به شعب دادگاه‌های تجدید نظر	۲۸/۴
منطبق نبودن قوانین	۱,۹۳	منطبق نبودن قوانین با شرایط و مقتضیات زمانی جامعه	۳,۲۵	
		منطبق نبودن قوانین با شرایط مکانی خاص هر منطقه	۳,۱۹	
ناکارآمدی نیروی انسانی	۲,۰۸	رویه ناظر بر بزه دیده و شاکی خصوصی	۴,۶۳	
		ضعف در آموزش مناسب قضات دادگاه‌های تجدید نظر	۴,۵۴	
		نداشتن تخصص در امور کیفری قضات	۴,۴۸	
		فرهنگ سازمانی حاکم بر دادگاه‌های تجدید نظر (تعدد قاضی)	۴,۳۶	

ابعاد	مولفه	ضریب فریدمن	رتبه	شاخص	ضریب فریدمن	رتبه
بعد اجتماعی	مولفه‌های فردی	۲۵/۱	۷	جنسیت	۸۵/۲	۱
				تحصیلات	۴۹/۲	۲
				وضعیت روحی و روانی	۲۸/۲	۳
				وضعیت جسمی	۲۳/۲	۴

۵	۱۶/۱	وضعیت تاهل				
۱	۳,۸۷	فرهنگ مردم و توقع اذهان عمومی	۶	۴۵/۱	مولفه های فرهنگی	
۲	۳,۸۱	رسانه				
۳	۳,۴۶	مذهب				
۴	۳,۲۴	وضعیت خانوادگی				
۵	۳,۰۹	جریحه دار شدن احساسات عمومی				
۱	۶۴/۴	تاثیر اجرای قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ در اعمال تعلیق مجازات در دادگاه های بدوی	۲	۲,۴۸	میزان کمی اعمال تعلیق	بعد اجرایی
۲	۵۷/۴	تاثیر اجرای قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ در اعمال تعلیق مجازات در دادگاه های تجدید نظر				
۱	۴۷/۴	کاهش تکرار جرم	۱	۲,۵۲	بازخورد کیفی اعمال تعلیق مجازات	
۲	۲۸/۴	کاهش جامعه کیفری				
۳	۱۷/۴	کاهش هزینه های قضایی				
۱	۴۵/۳	کارآیی قوانین و مقررات تعلیق در نظام قضایی فعلی	۸	۱,۱۵	کارآیی قانون تعلیق مجازات	بعد قانونی
۲	۲۸/۳	امکان اجرای عدالت قضایی و احقاق حقوق بزه دیده				
۳	۱۴/۳	کاهش جامعه کیفری				
۴	۰۶/۳	جلوگیری از طولانی شدن روند قضایی				
۵	۸۵/۲	کاهش تکرار جرم				
۱	۵۴/۴	تخصصی نبودن شعب دادگاه های تجدیدنظر	۵	۸۹/۱	ساختار سازمانی	بعد سازمانی

وقضایی					
۲	۳۵/۴	عدم استقبال برخی شعب در تعلیق اجرای مجازات			
۳	۳۲/۴	کثرت پرونده های ارجاع شده به شعب دادگاه های تجدید نظر			
۴	۲۸/۴	عدم ارجاع تخصصی پرونده به شعب دادگاه های تجدیدنظر			
۱	۲۵/۳	منطبق بودن قوانین با شرایط و مقتضیات زمانی جامعه	۴	۹۳/۱	منطبق نبودن قوانین
۲	۱۹/۳	منطبق نبودن قوانین با شرایط مکانی خاص هر منطقه			
۱	۶۳/۴	رویه ناظر بر بزه دیده وشاکی خصوصی	۳	۰۸/۲	ناکارآمدی نیروی انسانی
۲	۵۴/۴	ضعف در آموزش مناسب قضات و دادگاه های تجدید نظر			
۳	۴۸/۴	نداشتن تخصص در امور کیفری			
۴	۳۶/۴	فرهنگ سازمانی حاکم بر دادگاه های تجدید نظر (تعدد قاضی)			

-سوال دوم فرعی

موانع و مشکلات دادگاه های تجدید نظر استان کرمانشاه در خصوص رعایت شرایط ماهوی تاسیس حقوقی تعلیق مجازات چه می باشد؟

دومین پرسشنامه‌ای که در این پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد پرسشنامه شماره (۲) می‌باشد که به موانع و مشکلات دادگاه های تجدید نظر استان کرمانشاه در خصوص رعایت شرایط ماهوی تاسیس حقوقی تعلیق مجازات پرداخته است که پس از گرفتن میانگین ۴مولفه و ۲۹شاخص ازآزمون آزمون kmo و بارتلت جهت آزمون فرضیه استفاده گردیدکه نتایج آن به شرح ذیل آمده است:

• ابعاد شرایط ماهوی

مقدار آزمون kmo و بارتلت

ردیف	مقدار آزمون kmo	مقدار آزمون بارتلت	سطح معناداری	مقدار واریمکس
۱	۸۲۱/.	۵۳/۵۸۹	۰۰۰/.	۲۳/۸۸

بارعاملی ابعاد

Component Matrix ^a	
اجتماعی	.۸۱۲
اجرایی	.۹۶۵
قانونی	.۸۸۴
سازمانی و قضایی	.۹۴۵

بررسی آزمون kmo بعداجتماعی:

ردیف	مقدار آزمون kmo	مقدار آزمون بارتلت	سطح معناداری	مقدار واریمکس
۱	۶۷/.	۳۲/۱۲۸	۰۰۰/.	۸۴/۹۵

بررسی بارعاملی مولفه ها و شاخص ها

ابعاد	مولفه	بارعاملی	شاخص	بارعاملی
بعد اجتماعی	مولفه های فردی	۶۷/۱	متهمین زیر ۱۸ سال	۲,۹۴
			متهمین ۱۸ تا ۵۰ سال	۲,۱۳
			متهمین بالای ۵۰ سال (کهولت سن)	۲,۲۶
	مولفه های فرهنگی	۴۹/۱	ایجاد کمپین های حمایت از بزهکار	۱۲/۳
			نفوذ فرهنگ عوام گرایی	۲۴/۳
			پایگاه اجتماعی متهم	۱۰/۳

۵۹/۳	تبلیغات نهاد های حقوق بشری			
۸۹/۳	رسانه ای شدن احکام صادره			

بعد اجرایی: بررسی آزمون kmo

ردیف	مقدار آزمون kmo	مقدار آزمون بارتلت	سطح معناداری	مقدار واریمکس
۱	۷۰۴/.	۱۸/۳۱۶	۰۰۰/.	۲۹/۷۸

ابعاد	مؤلفه	بارعاملی	شاخص	بارعاملی
بعد اجرایی	توجه به حقوق بزه دیده	۲,۳۸	رضایت بزه دیده	۵۸/۴
			نحوه جبران خسارت	۳۶/۴
			شرایط روحی و روانی بزه دیده	۷۷/۴
	توجه به حقوق بزه کار	۶۴/۲	عدم شناخت مناسب متهم	۸۱/۴
			عدم تشکیل پرونده شخصیت متهم	۳۴/۴
			حق داشتن وکیل	۲۹/۴

• بعد قانونی: بررسی آزمون kmo

ردیف	مقدار آزمون kmo	مقدار آزمون بارتلت	سطح معناداری	مقدار واریمکس
۱	۶۹/.	۲۱/۸۴	۰۰۰/.	۳۴/۷۹

بررسی بارعاملی مؤلفه ها و شاخص ها

ابعاد	مؤلفه	بارعاملی	شاخص	بارعاملی
• قانونی	بعد منع قانونی	۷۸/۱	منع قانونی تعلیق مجازات در بعضی جرایم	۶۴/۲
			منع قانونی تعلیق مجازات در جرایم امنیتی	۱۳/۲

۴۱/۲	تبعیت مقررات تاسیس حقوقی تعلیق اجرای مجازات از سیاست جنایی منسجم	۳۴/۱	تبعیت از سیاست های جنایی
۷۸/۲	تبعیت مقررات تاسیس حقوقی تعلیق اجرای مجازات از سیاست جنایی قضایی منسجم		

• بعد سازمانی و قضایی

بررسی آزمون kmo

ردیف	مقدار آزمون kmo	مقدار آزمون بارتلت	سطح معناداری	مقدار واریمکس
۱	۵۴۳٪	۲۷/۳۲۹	۰۰۰٪	۳۱/۶۳

بررسی بارعاملی مولفه ها و شاخص ها

ابعاد	مولفه	بارعاملی	شاخص	بارعاملی
بعد سازمانی و قضایی	عدم توجه به اشرافیت قضات	۲۳/۲	امکان ارائه تفسیر قضایی مقررات تعلیق از ناحیه قضات دادگستری به منظور کارآیی مقررات استفاده بهینه	۴,۵۱
			بازنبودن دست قاضی در تشخیص اعمال تعلیق	۴,۸۲
			در نظر گرفتن شرایط حاکم بر جامعه توسط قضات	۴,۲۸
	مشارکت سایر نهادها	۰۷/۲	استفاده از نظر و دیدگاه ضابطین قضایی	۴,۱۹
			نهادهای حمایتی (بهبیستی، سازمان های مردم نهاد و...)	۴,۱۱

ابعاد	مولفه	ضریب فریدمن	رتبه	شاخص	ضریب فریدمن به رتبه
بعد	مولفه های	۶۷/۱	۶	متهمین زیر ۱۸ سال	۹۴/۲

اجتماعی	فردی				۲	۲۶/۲	متهمین بالای ۵۰ سال (کهولت سن)
					۳	۱۳/۲	متهمین ۱۸ تا ۵۰ سال
اجتماعی	مولفه های فرهنگی	۷	۴۹/۱	۱	۱۸۹/۳	۱	رسانه ای شدن احکام صادره
				۲	۵۹/۳	۲	تبلیغات نهادهای حقوق بشری
				۳	۲۴/۳	۳	نفوذ فرهنگ عوام گرایی
				۴	۱۲/۳	۴	ایجاد کمپین های حمایت از بزهکار
				۵	۱۰/۳	۵	پایگاه های اجتماعی متهم
بعد اجرایی	توجه به حقوق بزه دیده	۲	۲,۳۸	۱	۷۷/۴	۱	شرایط روحی و روانی بزه دیده
				۲	۵۸/۴	۲	رضایت بزه دیده
				۳	۳۶/۴	۳	نحوه جبران خسارت
بعد اجرایی	توجه به حقوق بزهکار	۱	۲,۶۴	۱	۸۱/۴	۱	عدم شناخت مناسب متهم
				۲	۳۴/۴	۲	عدم تشکیل پرونده شخصیت متهم
				۳	۲۹/۴	۳	حق داشتن وکیل
بعد قانونی	منع قانونی	۵	۱,۷۸	۱	۶۴/۲	۱	منع قانونی تعلیق مجازات در بعضی جرایم
				۲	۱۳/۲	۲	منع قانونی تعلیق مجازات در جرایم امنیتی
بعد قانونی	تبعیت از سیاست های جنایی	۸	۳۴/۱	۱	۷۸/۲	۱	تبعیت مقررات تاسیس حقوقی تعلیق اجرای مجازات از سیاست جنایی قضایی منسجم
				۲	۴۱/۲	۲	تبعیت مقررات تاسیس حقوقی تعلیق اجرای مجازات از سیاست جنایی تقنینی منسجم
بعد	عدم توجه به	۳	۲۳/۲	۱	۸۲/۴	۱	باز نبودن دست قاضی در تشخیص

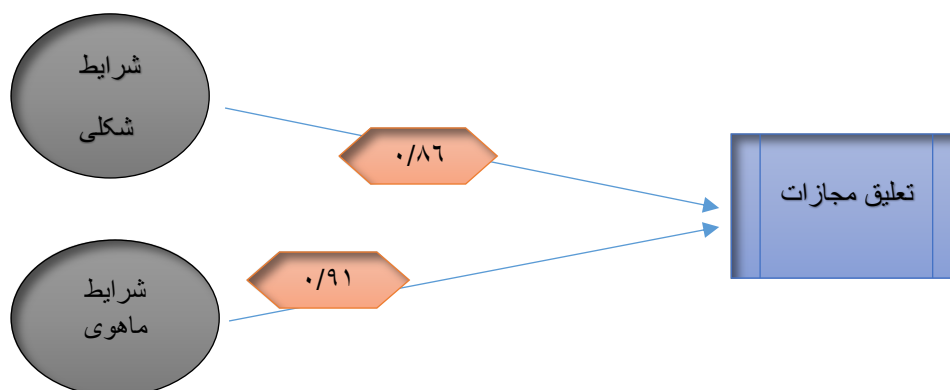
سازمانی و قضایی		اشرافیت قضات		اعمال تعلیق	
۲	۵۱/۴	امکان ارائه تفسیر قضایی مقررات تعلیق از ناحیه قضات دادگستری به منظور کارآیی مقررات و استفاده بهینه			
۳	۲۸/۴	در نظر گرفتن شرایط حاکم بر جامعه توسط قضات			
۱	۱۹/۴	۴	۰۷/۲	مشارکت سایر نهادها	
۲	۱۱/۴	استفاده از نظر و دیدگاه ضابطین قضایی			
		نهادهای حمایتی (بهزیستی، سازمان های مردم نهاد و...)			

سوال اصلی تحقیق

وضعیت رویه قضایی دادگاه های تجدید نظر استان کرمانشاه در زمینه اجرای تاسیس حقوقی تعلیق مجازات چگونه می باشد؟

جدول شماره ۲: بررسی رابطه بین تعلیق مجازات و شرایط شکلی و ماهوی

ردیف	مقدار ضریب اثر	سطح معناداری	درجه آزادی
شرایط شکلی	۸۶٪	۰۰۰٪	۳۲
شرایط ماهوی	۹۱٪	۰۰۰٪	۳۲



نمودار شماره ۴-۱: ارتباط بین تعلیق مجازات و شرایط شکلی و ماهوی

با توجه به خروجی نرم افزار SMART PLS مدل مورد نظر بررسی شد که نتایج نشان داد در تشکیل شاخص شرایط ماهوی با ضریب بتای استاندارد شده ۹۱٪ در رتبه اول، شرایط شکلی با ضریب بتای استاندارد شده ۸۶٪ در رتبه دوم در تعلیق مجازات از جرم موثر باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به خروجی نرم افزار SMART PLS در روند قضایی اعمال تاسیس حقوقی تعلیق مجازات شرایط ماهوی با ضریب بتای استاندارد شده ۹۱٪ در رتبه اول و شرایط شکلی با ضریب بتای استاندارد شده ۸۶٪ در رتبه دوم اعمال تعلیق مجازات از جرم موثر باشد.

این در حالی است که بررسی نتایج فرضیه‌های فرعی نیز نتایج نشان می‌دهد که در روند قضایی اعمال تاسیس حقوقی تعلیق مجازات اولا کلیه ابعاد در مدل باقی می‌مانند و ثانيا ضریب بتای استاندارد شده در شرایط شکلی ابعاد به ترتیب در بعد سازمانی و قضایی (مؤلفه ناکارآمدی نیروی انسانی)، بعد اجرایی (مؤلفه بازخورد کیفی اعمال تعلیق مجاز)، بعد قانونی (مؤلفه کارایی قانون تعلیق مجازات) و در نهایت بعد اجتماعی (مؤلفه فرهنگی) قرار دارند که تاثیر گذاری ابعاد در روند اعمال تاسیس تعلیق مجازات در دادگاه‌های تجدید نظر را نشان می‌دهند. در شرایط ماهوی نیز ابعاد به ترتیب بعد سازمانی و قضایی (مؤلفه عدم توجه به اشرافیت قضات)، بعد اجرایی (مؤلفه بازخورد کیفی اعمال تعلیق مجازات)، بعد قانونی (مؤلفه منع قانونی) و بعد اجتماعی (مؤلفه فردی) قرار دارند که با توجه به نتایج بدست آمده در هر دو شرایط شکلی و ماهوی بعد سازمانی و قضایی و سپس بعد اجرایی بالاترین تاثیر و بعد اجتماعی کمترین تاثیر در روند اعمال تاسیس حقوقی تعلیق مجازات را داشته‌اند

پیشنهادها

- ۱- تلاش در جهت تخصصی نمودن شعب دادگاه‌های تجدید نظر با توجه به در نظر گرفتن جرائم مختلف.
- ۲- با توجه به دیدگاه سنتی مسلط بر قضات و همچنین ملموس نبودن بازخورد کیفی اعمال تعلیق برای قضات به نوعی در برخی از شعب استقبال از اعمال این تاسیس حقوقی به عمل نمی‌آید که به نظر می‌رسد توجه بیشتر در اعمال تعلیق مراقبتی به جای تعلیق ساده این مشکل را مرتفع نماید.
- ۳- کاهش ورودی پرونده‌ها به شعب دادگاه‌های تجدید نظر در راستای کیفی تر شدن اعمال تعلیق مجازات برای پرونده‌های دارای شرایط اعمال تعلیق.
- ۴- ایجاد مکانیزمی خاص در ارجاع تخصصی پرونده به شعب دادگاه‌های تجدید نظر.
- ۵- تلاش در جهت انعکاس مواد قانونی که با شرایط و مقتضیات زمانی جامعه منطبق نیست.
- ۶- افزایش آموزش‌های مناسب قضات به ویژه پیش از بکارگیری در دادگاه‌های تجدید نظر.

- ۷- انعکاس بازخورد کیفی اعمال تعلیق مجازات در کاهش تکرار جرم، کاهش جامعه کیفری و کاهش هزینه های قضایی برای قضات در جهت تشویق و استقبال آنان در اعمال تعلیق مجازات
- ۸- توجه به نحوه جبران خسارت بزه دیده در راستای افزایش کارایی اعمال تاسیس حقوقی تعلیق مجازات
- ۹- توجه ویژه قضات به تشکیل پرونده شخصیت متهم چرا که شخصیت یکی از معیارهای اصلی تعیین شدت و ضعف مجازات می باشد.

منابع

۱. آقای نیما، حسین، تعلیق مراقبتی در دنیا، پژوهشی تطبیقی، چاپ اول، نشر میزان، ۱۳۷۶
۲. آشوری، محمد، « تحول جایگاه دادسرا و ترافیکی شدن امر تعقیب»، در: گروهی از مؤلفان، تأملاتی در حقوق تطبیقی، به مناسبت نکوداشت دکتر سید حسین صفایی (۲)، چاپ سوم، تهران: انتشارات سمت و مؤسسه حقوق تطبیقی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۹۰
۳. آنسل، مارک، «دفاع اجتماعی»، ترجمه محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ چهارم، تهران، انتشارات کتابخانه گنج دانش، ۱۳۹۱
۴. افتاده، محمود، « تحول کیفر در حقوق ایران» (رساله کارشناسی ارشد)، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۳
۵. بقال شیروان، محمود، « وضعیت نهاد تعلیق تعقیب در نظام دادرسی کیفری ایران»، ماهنامه دادرسی، سال هفتم، شماره ۳۹، ۱۳۸۲
۶. پیمانی، ضیاءالدین، «آثار تعلیق اجرای مجازات در حقوق کیفری ایران»، نشریه ی دانشکده ی حقوق و علوم سیاسی، شماره پانزدهم و شانزدهم، پاییز و زمستان ۱۳۵۲
۷. حاجی تبار فیروزجایی، حسن، «جایگزین های حبس در حقوق کیفری ایران»، چاپ اول، انتشارات فردوسی، ۱۳۸۶
۸. رضایی، غلامحسین، «راهبردهای تعلیق و تعویق در فرایند کیفری»، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۹.
۹. ساقیان، محمد مهدی، «پیشگیری از تکرار جرم از گذر جایگزین های تعقیب کیفری»، در: رهیافت های نوین پیشگیری از جرم، جلد اول، محمد باقر ذوالقدر و دیگران (صاحب اثر: معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه)، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۱

۱۰. شفیعی، یاسر، «بررسی تعلیق مراقبتی در قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲)»، دانشگاه آزاد واحد هرمزگان، ۱۳۹۳
۱۱. صفاری، علی، «کیفر شناسی (تحولات، مبانی و اجرای کیفر سالب آزادی)»، چاپ هفدهم، تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۹۰
۱۲. فروتن، مصطفی، «تعلیق تعقیب - الغا یا ابقای آن»، مجله کانون وکلای دادگستری مرکز، شماره ۲۰۷، ۱۳۸۸
۱۳. عزیزی، کیومرث، «تعلیق اجرا مجازات و آثار آن»، پایان نامه آموزش پودمانی قضات، ۱۳۹۸
۱۴. غلامی، حسین و همکاران، «اصل حداقل بودن حقوق جزا»، چاپ اول، تهران: نشر میزان، ۱۳۹۳
۱۵. کوشکی، غلامحسین (۱۳۸۹)، «جایگزین های تعقیب دعوی عمومی در نظام دادرسی کیفری ایران و فرانسه»، فصلنامه پژوهش حقوق، سال دوازدهم، شماره ۲۹، ص. ۳۲۷-۳۵۰
۱۶. محمد نسل، غلامرضا، «بررسی کاربردی تعلیق مجازات در حقوق جزا در رویه محاکم ایران»، نشریه مطالعات خصوصی شماره ۶۴، تابستان ۱۳۸۳
۱۷. موسوی بایگی، سیدعلی، «تعدیل و تبدیل مجازات و چالش های آن در نظام حقوقی ایران»، فصلنامه تعالی حقوق سال چهارم شماره یک، پاییز ۱۳۹۱
۱۸. هدایی، فرخ، مقاله ی «قاعده تعلیق و تخفیف مجازات در دادگاه تجدیدنظر استان»، ماهنامه حقوقی - اجتماعی دادرسی شماره ۷۰، مهر و آبان ۱۳۸۷